

بررسی رجالی سهل بن زیاد و اثبات وثاقت او

محمد علی رمضانی^۱

امیر امینی^۲

چکیده:

علم رجال در بررسی اعتبار راویان حدیث نقشی کلیدی دارد. این پژوهش به تحلیل وثاقت و تضعیف سهل بن زیاد آدمی، راوی شیعی قرن سوم هجری، می پردازد. در این راستا، نظرات فقها و رجالیون مورد بررسی قرار گرفته و تحلیل انتقادی درباره مبانی این دیدگاه ها ارائه شده است. در نهایت، بر شواهد موجود، نتیجه گیری در مورد اعتبار احادیث این صورت گرفته شده است. سهل بن زیاد آدمی، معروف به رازی، از محدثان شیعه در قرن سوم قمری است و سه امام معصوم؛ امام جواد، امام هادی، و امام عسکری علیهم السلام را درک کرده است. وی در اسناد بیش از ۲۳۰۰ حدیث حضور دارد. جمله «الأمر فی سهل سهل» برای توصیف او در کلمات فقها، خصوصاً فقهای متأخر، بسیار به کار رفته است. اهمیت بررسی وثاقت یا عدم وثاقت سهل بن زیاد در تأثیرگذاری آن بر حوزه های معارف اعتقادی و فقهی شیعه است. درباره وثاقت وی سه دیدگاه وجود دارد: **توثیق**: برخی همچون آیت الله شبیری زنجانی و از قدما شیخ مفید و از متأخرین سید بحر العلوم او را توثیق کرده اند. **تضعیف**: گروهی همچون شیخ طوسی و آیت الله خویی با این نظر مخالف اند و جمله «الأمر فی سهل لیس بسهل» را مطرح کرده اند (موسوعة الإمام الخوئی، ج ۱، ص ۲۴۰). **توقف**: برخی دیگر مانند نجاشی در این مسئله توقف کرده اند.

در این بررسی، ابتدا دلایل تضعیف و سپس دلایل توثیق او مورد تحلیل قرار می گیرد تا روشن شود که آیا می توان به روایات منقول از سهل بن زیاد اعتماد کرد یا خیر.

کلید واژه: سهل بن زیاد - غلو - توثیق - علم رجال - تضعیف

^۱ طلبه سطح ۲، حوزه علمیه صاحب الزمان مشهد، مشهد، ایران

Rmohammadali368@gmail.com

^۲ هیئت علمی - استادیار - گروه فقه و اصول - جامعه المصطفی (ص). amir_amini@miu.ac.ir

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۷۰۸۵-۹۷۱۳

مقدمه

سهل بن زیاد آدمی از راویان کثیرالحديث است و روایات زیادی از او در کتاب شریف کافی نقل شده است. شمار روایات او به بیش از ۲۳۰۰ روایت می‌رسد (ترابی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۷۰). کنیه او «ابوسعید» و ملقب به «رازی» است و از اهالی ری بود. کشتی از نصر بن صباح نقل می‌کند که «سهل بن زیاد آدمی رازی» در پیشگاه سه امام معصوم، یعنی امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیهم‌السلام حضور داشته است.

در مورد وثاقت و عدم وثاقت او اختلاف نظر وجود دارد. بیشتر فقها تا قبل از محقق بهبهانی، سهل بن زیاد را تضعیف کرده و به روایات او اعتماد نمی‌کردند. اما محقق بهبهانی در کتاب مصابیح الظلام (ج ۲، ص ۴۹۶) در پی اثبات وثاقت سهل بن زیاد برآمده است. پس از محقق بهبهانی نیز بسیاری از محققان قائل به وثاقت او یا دست کم اعتبار روایات او شده‌اند. بحث ما این است که مبنای تضعیف‌هایی که درباره سهل بن زیاد وارد شده چیست؟ آیا این تضعیفات صحیح است؟ و آیا توثیق‌هایی که در این مورد ذکر شده قابل دفاع هستند یا خیر؟

اهمیت پرداختن به این موضوع زمانی آشکار می‌شود که با اثبات وثاقت سهل بن زیاد، روایات زیادی که از ایشان نقل شده، قابل استناد خواهد بود و تأثیر قابل‌توجهی در حوزه معارف اعتقادی و فقه خواهد داشت.

حال، پیش از بررسی اقوال تضعیف و توثیق، لازم است ابتدا مبانی مربوط به توثیق و تضعیف را بررسی کنیم و به آن‌ها توجه نماییم.

مبانی توثیق

هر اندیشمند رجالی آگاه است که پذیرفتن روایات یک راوی به شرط وثاقت اوست؛ به این معنا که راوی باید به راست‌گویی خو گرفته باشد و در گفتارش از دروغ پرهیز کند. اثبات این ویژگی در راوی به واسطه قرائن موجود در کتاب‌های رجالی انجام می‌شود و به آن توثیق می‌گویند.

بنابراین، توثیق‌ها دو نوع‌اند: توثیق‌های خاص و توثیق‌های عام. که در ادامه، درباره هر کدام به طور خلاصه شرح می‌دهیم.

الف) توثیق خاص

توثیقی است که خود شخص راوی در نظر گرفته می‌شود و هر مطلبی که با راستگویی او مرتبط است، بازگو می‌شود. این نوع از توثیق روش‌های زیادی دارد که به اختصار چند مورد بیان می‌شود:

انواع روش‌های توثیق خاص

روش یکم: تصریح یا اشاره معصوم علیه السلام به وثاقت ؛ یعنی همه علمای شیعه در این نکته اتفاق نظر دارند که رأی معصوم علیه السلام در هر موردی حجت است.

روش دوم: تصریح علمای رجالی متقدم ؛ یعنی یکی از علمای رجالی متقدم مانند شیخ صدوق، شیخ نجاشی و... به وثاقت او تصریح کنند. نکته‌ای که باید در نظر گرفته شود این است که گفته یک عالم رجالی به تنهایی در جایی معتبر و حجت است که از روی حس و یا مقدمات نزدیک به حس باشد.

روش سوم: توثیق علمای رجالی متأخر ؛ یعنی اگر متأخرین تنها توثیق‌ها یا تضعیف‌های گذشتگان را نقل کنند، گفته آنان حجت است. چونکه در این مورد تنها نقش ناقل را دارند و لذا چون خود موثق‌اند، می‌توان به نقل‌هایشان اعتماد کرد.

روش چهارم: بودن اجماع به وثاقت راوی ؛ یکی از ادله‌ای که موجب اثبات ثقه بودن راوی می‌شود، ادعای اجماع از سوی یکی از عالمان رجالی بر وثاقت وی است.

مانند اجماع شیخ طوسی (ره) به وثاقت مرحوم سکونی (محمد طوسی، العدة، ج ۱، ص ۱۴۹). اگر این اجماع از سوی متأخرین ادعا شده باشد، کاشف از این است که دست‌کم برخی از گذشتگان قائل به وثاقت آن راوی بوده‌اند که همین برای اثبات ثقه بودن وی کفایت می‌کند. مانند اجماع سید بن طاووس به ثقه بودن ابراهیم بن هاشم (ابوالقاسم خوئی، معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۴۶).

نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است، این است که اجماع در فقه با اجماع در رجال فرق می‌کند. در فقه، اجماع فقط زمانی ارزش دارد که کاشف از قول معصوم علیه السلام باشد؛ اما در رجال چنین شرطی ندارد (اکبر ترابی شهرضایی، پژوهشی در علم رجال، ص ۲۲۲).

ب) توثیق عام

توثیق عام، یکی از مباحث مهم در دانش رجال است که در آن عده‌ای از راویان به صورت گروهی و با استفاده از یک یا چند معیار خاص، مورد اعتماد قرار می‌گیرند. این شیوه، کمک می‌کند تا از طریق دسته‌بندی‌های کلی، به توثیق راویان بپردازیم و در صورت انطباق یکی از این دسته‌بندی‌ها با یک راوی خاص، می‌توان به وثاقت او حکم کرد. این موضوع در بررسی جایگاه رجالی افرادی مانند سهل بن زیاد نیز حائز اهمیت است، زیرا ممکن است برخی از این عناوین بر او منطبق شود یا نشود.

در ادامه، روش‌های مختلف توثیق عام بررسی می‌شوند:

روش اول: اصحاب اجماع؛ شیخ طوسی (ره) اصحاب اجماع را از مرحوم کشی نقل می‌کند و آنان را به سه گروه شش نفری تقسیم کرده است (رجال کشی، ص ۲۳۸، ۳۷۵، ۵۵۶). چون نامی از سهل بن زیاد در این فهرست نیامده است، این روش برای بحث ما فایده‌ای ندارد.

روش دوم: مشایخ الثقات؛ شیخ طوسی (ره) در کتاب عدۃ الأصول، سه شخص از طایفه شیعه را ذکر می‌کند که احادیث آنان به دلیل وثاقت قابل اعتماد است: محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر و از آنجا که هیچ‌یک از این افراد از سهل بن زیاد نقل روایت نکرده‌اند، این روش نیز در مورد وی کاربردی ندارد.

روش سوم: کسانی که از غیر ثقه روایت نقل نکرده‌اند؛ برخی علما، نقل روایت از فردی توسط راویانی خاص را دلیل بر وثاقت آن فرد می‌دانند. از جمله این افراد، احمد بن محمد بن عیسی اشعری است. اما چون هیچ‌یک از این راویان از سهل بن زیاد نقل روایت نکرده‌اند، این روش هم برای بررسی وثاقت او مفید نیست.

روش چهارم: راویان اسناد کتاب کامل الزیارات؛ جعفر بن محمد بن قولویه، نویسنده کتاب کامل الزیارات، در مقدمه کتابش تأکید می‌کند که تنها از راویان ثقه روایت نقل کرده است و از افراد گمنام یا ناشناخته استفاده نکرده است (کامل الزیارات، ص ۴).

نتیجه: راویان بی‌واسطه ابن قولویه در این کتاب، توثیق می‌شوند. اما این قاعده شامل راویان با واسطه نمی‌شود و سهل بن زیاد نیز در این دسته قرار نمی‌گیرد.

روش پنجم: راویان مشایخ اجازه ؛ شیخ اجازه بودن، به معنای فردی است که به دیگری اجازه نقل کتاب یا روایتی را می‌دهد، خواه اجازه‌گیرنده از او شنیده باشد یا فقط اجازه نقل گرفته باشد. برخی، شیخ اجازه بودن را نشانه وثاقت و برخی دیگر، صرفاً دلیلی بر ستودگی راوی می‌دانند. تعریف دقیق: شیخ اجازه کسی است که به دیگری اجازه نقل کتاب‌های خود را می‌دهد. این اصطلاح حتی در موارد قرائت و سماع نیز به کار می‌رود. به‌عنوان مثال، نجاشی در سال ۳۰۶ با حمید بن زیاد دیدار کرد و اجازه نقل تمامی کتاب‌های او را دریافت کرد (رجال نجاشی، ص ۱۳۲، شماره ۳۳۹).

نتیجه کلی: با بررسی این روش‌ها مشخص می‌شود که هیچ‌یک از آن‌ها به‌طور قطعی وثاقت سهل بن زیاد را تأیید نمی‌کند.

مبانی تضعیف

در آنچه که گذشت، ما به شیوه و مبانی توثیق راویان پرداختیم و حال نوبت به مبانی تضعیف رسیده که همچنان به طور خلاصه به آن می‌پردازیم.

ما می‌توانیم یک راوی را از طریق روش‌های زیر مورد تضعیف قرار دهیم:

تصریح یا اشاره معصوم (ع) به ضعف راوی: این شامل روایاتی می‌شود که دلالت بر ضعف راوی دارند، یا سرزنش و لعن او از سوی امام معصوم (ع) به آن اشاره شده است. در چنین حالتی، راوی قادر به ساقط شدن از جهت اعتبار می‌شود، همانند روایتی که در مورد قاسم یقطینی آمده است (محمد بن عمر بن عبد العزیز کشی، رجال کشی، ص ۵۱۸). البته باید در نظر بگیریم که برخی روایات به جهت تقیه برای حفظ مسلمانان از آزار و اذیت دشمنان اسلام بوده است.

علمای رجالی یک راوی را مورد نکوهش قرار دهند: یکی از الفاظی که علمای رجالی در این زمینه بیان کرده‌اند، واژه "غالی" است که اسم فاعل "غلو" بر وزن فاعول، مصدر فعل "غَلَى، یَغْلُو" است. این واژه به معنای زیاده‌روی و فراتر رفتن از حد و مرز است و همچنین به مایعاتی که جوش می‌آیند و از اندازه خود فراتر می‌روند، "غلیان شده" گفته می‌شود (حسین بن محمد راغب، المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۱۳). در قرآن نیز به این معنا اشاره شده است که انسان چیزی را که به آن باور دارد، از اندازه خود فراتر می‌برد (سوره مائده آیه ۷۷). همچنین در روایات نیز نهی از غلو شده است، چنان‌که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: "دو نفر

در مورد من هلاک شدند؛ یکی که غلو کرد و دیگری که از روی دشمنی هر چیزی را به زبان جاری نمود" (نهج البلاغه، قصارالحکم، ص ۱۱۲).

حال، با توجه به توضیحات داده شده، می‌توانیم در مورد ادله توثیقات و تضعیفات سهل بن زیاد آدمی به طور دقیق‌تر بحث کنیم.

ادله تضعیف

دلیل اول: اخراج وی توسط احمد بن محمد بن عیسی الاشعری به دلیل غلو و دروغ‌گویی از قم است. از آنجا که این دلیل مهم‌ترین دلیل تضعیف وی به شمار می‌رود، به اختصار به معرفی شخصیت احمد بن محمد بن عیسی الاشعری پرداخته می‌شود تا مشخص شود که اخراج سهل بن زیاد از سوی وی، تضعیف او را خدشه‌دار می‌کند یا نه. احمد بن محمد بن عیسی الاشعری از بزرگان و علمای قم بوده و امامان: امام جواد، امام رضا، امام عسگری و امام هادی را درک کرده است. وی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده به طوری که هرگاه بزرگان وارد قم می‌شدند، با او دیدار می‌کردند. در فقاقت و وثاقت وی هیچ تردیدی نیست، اما گاهی در مورد راویان از دیدگاه شخصی خود قضاوت می‌کرده و دلیل محکمی برای این کار نداشته است. به همین دلیل، گاهی دچار اشتباه می‌شده است. شاهدی بر این ادعا، اقرار خود وی به اشتباه بودن اخراج برخی افراد از قم است. به عنوان مثال، یکی از راویانی که وی از قم اخراج کرد، احمد بن محمد بن خالد البرقی بود که بعدها از این اقدام عذرخواهی نمود (ابن الغضائری، رجال، جلد ۱، ص ۳۹).

دلیل دوم: دومین دلیل، گفته نجاشی است که سهل بن زیاد را فردی ضعیف و غیرقابل اعتماد در حدیث می‌داند (رجال نجاشی، ص ۱۸۵). در پاسخ به این نظر باید گفت: گفته نجاشی همانند نظر احمد بن اشعری از نظر اجتهادی و شخصی است و قابل قبول نیست.

دلیل سوم: سومین دلیل، شهادت برخی از بزرگان است که شیعه نیستند. مرحوم فاضل آبی، از علمای قرن هفتم، در کتاب کشف الرموز بعد از نقل روایاتی که در سند آن سهل بن زیاد و ابن شمون حضور داشتند، می‌گوید: "این روایت ضعیف السند است، چون سهل بن زیاد عامی مذهب و ابن شمون غالی است" (کشف الرموز، فی شرح مختصر النافع،

فاضل آبی، ج ۲، ص ۶۵۰). در پاسخ به این ادعا باید گفت که مستندات آن‌ها مشخص نیست و هیچ‌یک از علمای رجال سخنان آن‌ها را تأیید نکرده‌اند.

دلیل چهارم: چهارمین دلیل، تضعیف شیخ طوسی است که از بزرگان فقها و رجالیون می‌باشد. ایشان در کتاب الفهرست به عبارت «سهل بن زیاد آدمی الرازی، أبو سعید ضعیف» (شیخ طوسی، الفهرست، ص ۸۰) آن را تضعیف کرده و همچنین در کتاب استبصار که پس از ذکر روایتی که در سند آن «سهل» وجود دارد، می‌گوید: «راوی آن ابو سعید آدمی است و آن نزد نقل کنندگان خبر جدا ضعیف خطاب می‌شود» (استبصار فیما اختلف من الاخبار، شیخ طوسی، ج ۳، ص ۲۶۱). پاسخ ما در اینجا این است که: ظاهر عبارت شیخ نشان می‌دهد که ایشان در تضعیف وی خیلی قاطع نیست، زیرا فقط از واژه ضعیف استفاده کرده و به اخراج یا غلو او اشاره‌ای نکرده است. دلیل مهم‌تر این است که شیخ طوسی در رجالش از این نظر برگشته و وی را توثیق کرده است.

دلیل پنجم: پنجمین دلیل، استناد ابن غضائری است که گفته است: سهل بن زیاد آدمی روایات و مذهبش فاسد است و احمد بن محمد بن عیسی اشعری مردم را از شنیدن روایات او منع کرده و روایات مرسل را نقل می‌کند. ما پاسخ می‌دهیم: قول وی قابل قبول نیست زیرا دلایلش از مشایخ ثقه نبوده، بلکه از روی استنباط و برداشت از متون روایات بوده و این نوع شهادت در توثیق و تضعیف حجت نیست (جعفر سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ص ۱۰۳).

دلیل ششم: ششمین دلیل، گفته فضل بن شاذان نیشابوری است که از راویان بزرگ شیعه که سهل بن زیاد را تحمیق خطاب کرده است. در پاسخ باید مفهوم «احمق» را مورد بررسی قرار دهیم. حُـمُق در مقابل عقل است و حقیقت آن قرار دادن چیزی در غیر جایگاهش است با علم به قبیح بودن آن (لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۰، ص ۶۷). احمق به این معنا در روایات هم آمده است. در نتیجه نسبت احمق دادن به سهل بن زیاد به اثبات تضعیف او اثری ندارد و به وثاقتش خدشه‌ای وارد نمی‌کند.

دلیل هفتم: هفتمین دلیل، استثنای وی توسط ابن ولید از اسناد کتاب نوادر الحکمه است. کتاب نوادر الحکمه تالیف محمد بن احمد بن یحیی است که به دست ما نرسیده است. ابن ولید راویان موجود در کتاب را توثیق کرده و تعدادی را استثنا کرده است ولی نگفته که ضعیف هستند. سهل بن زیاد جزء این دسته افراد است. در پاسخ، مرحوم آیت الله خویی (ره)

که از رجالین بزرگ معاصر است می گوید: تحقیق این است که استثنای ابن ولید کاشف از جرح و قدح کسی نمی باشد.

ادله توثیق

دلیل اول: توثیق شیخ طوسی در کتاب رجال و ذکر مکرر نام وی در میان اصحاب سه امام معصوم (ع) نشان دهنده اعتماد او به سهل است. در مورد امام هادی علیه السلام، علاوه بر ذکر نام، او را توثیق کرده و می گوید: "سهل بن زیاد الادمی، یکنی أبا سعید، ثقة رازی" (رجال طوسی، ص ۳۸۷). البته در میان علما اختلاف است که آیا با وجود تضعیفاتی که شیخ طوسی در کتاب های فهرست و استبصار انجام داده است، توثیق او در رجال معتبر است یا خیر؟ ما از باب اختصار وارد جزئیات نمی شویم و نتیجه را بیان می کنیم: اینکه می توانیم توثیق شیخ طوسی را در مورد سهل بن زیاد بپذیریم، زیرا او یکی از پیشگامان و بزرگان علم رجال است و شهادت او بر وثاقت سهل بن زیاد معتبر است.

دلیل دوم: کثرت روایات اجلاء سهل بن زیاد. همانطور که پیشتر گفته شد، فراوانی روایات نقل شده از یک راوی توسط اجلاء و ثقات می تواند دلیلی بر وثاقت او باشد. به گفته بزرگان، مانند امام خمینی، مضمون روایاتی که از سهل بن زیاد نقل شده است نیز مورد تایید است. بنابراین می توان گفت این سه مورد یعنی کثرت روایات، نقل روایت توسط اجلاء و اتقان مضمون روایات، بهترین شاهد بر توثیق او هستند.

دلیل سوم: مکاتبه سهل بن زیاد با امام عسگری علیه السلام. این مکاتبه نشان می دهد که سهل بن زیاد از کسانی بوده که با معصومین علیهم السلام در ارتباط بوده است. همچنین این مکاتبه به وضوح سهل بن زیاد را از اتهام کذب و غلو تبرئه می کند، زیرا ارتباط امام علیه السلام با فردی که دروغ گو یا غالی باشد، ممکن نیست.

دلیل چهارم: کثرت روایات سهل بن زیاد در کتب حدیثی. از او بیش از ۲۳۰۰ روایت در کتب اربعه نقل شده است. اگر سهل بن زیاد شخصی کذاب یا غالی بود، بزرگان حدیثی این تعداد روایت از او نقل نمی کردند. البته او به دلیل سکونت در ری، روایات را به طور مستقیم از معصومین علیهم السلام نقل نکرده، ولی اینکه یاران ائمه علیهم السلام به او اطمینان کرده و احادیث را برای او نقل می کردند، خود دلیلی بر جایگاه والای او در میان ایشان است.

دلیل پنجم: کتاب توحید که در کتاب مرحوم نجاشی آمده است. سهل بن زیاد دارای کتابی با همین عنوان بوده که به وضوح سخن از اثبات وجود خداوند و صفات و افعال مربوط به ذات مقدس اوست. نوشتن چنین کتابی و نقل چنین روایاتی تنها از کسی برمی آید که به دینی مانند دین اسلام معتقد باشد، نه دینی چون دین غلات. در نتیجه، این دلایل مجموعه‌ای از شواهد معتبر هستند که نشان می‌دهند سهل بن زیاد شخصی وثقه و مورد تایید در میان علمای حدیث است.

دلیل ششم: حضور نام سهل بن زیاد در سلسله اسناد کتاب تفسیر قمی. صاحب تفسیر قمی از سهل بن زیاد روایت کرده است، اما از آنجا که مبنای ما درباره این تفسیر این است که این راه برای اثبات وثاقت وی مفید نیست، نمی‌توان به این استناد کرد.

دلیل هفتم: عدم لعن یا نکوهش وی توسط معصومین (ع). اینکه وی در زمان سه امام (ع) زندگی می‌کرد، ولی هیچ کدام از ائمه در مورد او سخنی از نکوهش یا مذمت به میان نیاوردند، می‌تواند به این معنا باشد که اتهام غالی بودن وی نادرست است. زیرا سیره معصومین علیهم‌السلام این بود که با غلات به‌طور جدی مخالفت کرده و آنان را آشکارا لعن می‌کردند.

دلیل هشتم: شیخ اجازه بودن سهل بن زیاد که در روش پنجم ثویق عام به آن پرداخته‌ایم. برخی از علما همچون مرحوم بهبهانی تلاش کردند تا از طریق شیخ اجازه بودن سهل بن زیاد را توثیق کنند، و برخی تنها به دلیل شیخ اجازه بودنش، روایات او را معتبر می‌دانند. اما با دقت در احوال سهل بن زیاد می‌توان فهمید که وثاقت وی از این طریق نمی‌تواند اثبات شود، زیرا هرچند او فردی شناخته‌شده باشد، اما نمی‌دانیم که ذکر نام او صرفاً برای پیوستگی سند بوده است یا خیر.

دلیل نهم: حضور نام سهل بن زیاد در سلسله اسناد کتاب کامل الزیارت. با این حال، حضور یک راوی در سلسله اسناد کتاب کامل الزیارت به‌تنهایی دلیل بر توثیق او نیست، مگر اینکه در ابتدای سند واقع شده باشد. بنابراین نمی‌توان سهل بن زیاد را با این روش توثیق کرد، چون ابن قولویه در کتاب کامل الزیارت به‌طور مستقیم از او روایت نکرده است.

دلیل دهم: توثیق شیخ مفید (رحمت‌الله‌علیه). اگرچه موضع واضحی از شیخ مفید در مورد سهل بن زیاد در دست نیست، اما شواهدی در کلام او وجود دارد که می‌توان نتیجه

گرفت ایشان وی را توثیق کرده است. شیخ مفید در کتاب رساله العددیه روایتی نقل می کند و پس از آن می فرماید: "هذا الحديث شاذ مجهول الاسناد" (الرد علی اصحاب العدد، جوابات اهل الموصل، شیخ مفید، ص ۲۱)، و با وجود اینکه در این زمینه خدشه وارد می کند، اما در مورد سهل بن زیاد مانند محمد بن سنان برخورد نکرده و هیچ سخنی در مورد وی نگفته است. محدث نوری نیز در ذیل این مطلب می گوید: "بر کسی پوشیده نیست که نقل چنین پیشامدی از زبان این بزرگان و اجلاء از طریق سهل بن زیاد، دلالت بر اعتماد ایشان به او دارد" (خاتمه المستدرک، محدث نوری، ج ۵، ص ۲۲۳).

تا الان ما به این دستاورد رسیدیم که اثبات تضعیف سهل بن زیاد از راه های گفته شد ممکن نیست و در مقابل ده دلیل برای توثیق آورده شد که فقط هفتای آن مورد پذیرش قرار گرفت و میتواند توثیق وی را اثبات کند. ناگفته نماند، بهتر است حال، تضعیف و توثیق سهل بن زیاد در کتاب های فقهی به طور مختصر اشاره شود.

تضعیف سهل:

۱. حسن بن ابی طالب (فاضل آبی) در کشف الرموز (ج ۱، ص ۲۹۹، ۹۶، ۶۸).
۲. محقق حلی در رسائل التسع و نکت النهایه و المعتبر (رسائل التسع، ص ۱۲۹؛ نکت النهایه، ج ۲، ص ۱۷۷؛ المعتبر فی شرح المختصر، ج ۱، ص ۲۸۱، ۲۶۱، ۸۱).
۳. شهید اول در الدروس و غایته المراد (الدروس، ج ۲، ص ۱۳۴؛ غایته المراد، ج ۲، ص ۴۷۷).
۴. شهید ثانی در رسائل و مسالک الافهام (رسائل، ج ۱، ص ۴۵۹؛ مسالک الافهام، ج ۷، ص ۴۰۲).

توثیق سهل:

۱. صاحب ریاض در ریاض المسائل (ج ۱۲، ص ۴۵۸).
۲. شیخ انصاری در کتاب الصلاه، ج ۱، ص ۷۱.
۳. شیخ محمدعلی اراکی در کتاب الصلاه (ج ۲، ص ۱۳۳).
۴. امام خمینی در کتاب الطهارت (ج ۱، ص ۲۵۸، ۷۱).

بررسی نهایی آرای رجالی درباره سهل بن زیاد :

پس از تحلیل نظرات مختلف درباره وثاقت یا ضعف سهل بن زیاد ، می توان نتایج زیر را استنتاج کرد.

بحث درباره وثاقت و ضعف سهل بن زیاد آدمی یکی از مباحث چالش برانگیز در علم رجال است که تأثیر مستقیمی بر اعتبار بسیاری از روایات فقهی و اعتقادی دارد. در این پژوهش، دیدگاه‌های مختلف درباره آن بررسی شد که به‌طور کلی در دو دسته توثیق و تضعیف قرار می‌گیرند.

از یک سو، برخی از علما مانند شیخ طوسی، شیخ مفید و برخی از فقهای متأخر معتقدند که سهل بن زیاد ثقه است. مهم ترین انتخاب این گروه عبارتند از:

ذکر نام او در میان اصحاب سه امام معصوم (ع) بدون مشخص شدن بر ضعف او، که نمی‌تواند از پذیرش ضمنی وثاقت او باشد.

کثرت روایات توسط اجلای شیعه که در برخی از حدیث بزرگان معتبر است.

عدم وجود نکوهش مستقیم از سوی معصومین (ع) ، در حالی که در مورد برخی از راویان ضعیف چنین نکوهشی انجام شده است.

مکاتبه با امام عسکری (ع) که از ارتباط مستقیم با امام دارد.

از سوی دیگر، برخی از رجالیون مانند احمد بن محمد بن عیسی، ابن غضائری و شیخ طوسی در فهرست او را ضعیف دانسته‌اند. منبع اصلی این گروه عبارتند از:

شعر به غلو و بی‌دقتی در نقل حدیث ، که باعث می‌شود برخی از علمای رجال او را نامعتبر بدانند.

اخراج از قم توسط احمد بن محمد بن عیسی به چندین غلو، هر چند این اقدام بعدها در مورد برخی راویان دیگر نیز مورد بازنگری قرار گرفت.

مشخصات رجالیونی مانند نجاشی و ابن غضائری در ضعف اوست که بر بی‌مبالاتی او در نقل احادیث را ایجاد کرده است.

با این حال، بررسی دقیق این دیدگاه‌ها نشان داد که برخی از تضعیف‌ها بر حدس و گمان یا سخت‌گیری‌های رجالی خاص بوده‌اند. در مقابل، شواهدی مانند حضور پررنگ روایات او در منابع معتبر، نقل اجلای شیعه از او، و نبود نقد صریح از سوی معصومین (ع)، نشان می‌دهد که نمی‌توان او را به طور قطعی ضعیف دانست.

چرا این جمع بندی مهم است؟

اگر سهل بن زیاد ثقه باشد، خیلی از روایات منقول از او قابل استناد خواهد بود و این موضوع در استنباط فقهی و مسائل اعتقادی تأثیرگذار است.

اگر تضعیف او را بپذیریم، باید در پذیرش احادیثی که در سلسله سند آنها قرار گیرد، با احتیاط بیشتر عمل کنیم.

نتیجه‌ای که از این بررسی به دست می‌آید، این است که ادله‌ای توثیق سهل بن زیاد نسبت به انتخاب تضعیف او قوی‌تر به نظر می‌رسد. بنابراین، روایات او نمی‌توانند صرفاً به دلیل حضور وی در سند، مردود شمرده شوند و لازم باشد هر حدیث بر اساس آن نیز ارزیابی شود.

نتیجه

بر این اساس، آنچه درباره سهل بن زیاد آمده است این است که نام او «سهل» و نام پدرش «زیاد» و پدر وی ملقب به «آدمی» بوده است. همچنین کنیه او «أبوسعید» بوده و به دلیل زندگی در شهر ری، لقب «رازی» را برای او برگزیده بودند. از ابواب متفرقه رجالی می‌توان دریافت که وی فرزندی به نام محمد، برادری به نام سعید و پسر برادری به نام محمد بن سعید داشته است.

سهل بن زیاد از جمله راویان کثیرالروایه در مصادر حدیثی و فقهی است. خوشبختانه مجموعه روایات وی در موسوعه‌ای به نام «مسند سهل بن زیاد آدمی» اثر محمد جعفر طبعی گردآوری شده است که شامل بیش از دوهزار حدیث و در پنج جلد منتشر شده است. جلد اول تا سوم شامل روایات فقهی است و جلد چهارم آن مربوط به احادیث اعتقادی (توحید، نبوت، معاد) و جلد پنجم مربوط به «امامت» است.

از ویژگی‌های شخصیتی سهل بن زیاد نکات مختلفی به دست آمده است؛ از جمله آنکه فضل بن شاذان او را احمق دانسته است، اما انگیزه تحمیق او و ارتباط این مسئله با راوی بودن او در کتاب‌های رجالی مشخص نشده است. همچنین وی را متهم به بی‌مبالاتی در امر حدیث کرده‌اند و گفته‌اند او به راویان ناشناس اعتماد کرده و روایات مرسل زیادی نقل کرده است. برخی او را غالی و برخی دیگر او را عامی خوانده‌اند که البته نظر دوم هیچ دلیل و مدرکی ندارد. علاوه بر این، شواهد زیادی بر وثاقت وی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: موضع شیخ مفید درباره سهل، توثیق او از سوی شیخ طوسی، فراوانی روایات، نقل بسیاری از اجلاء از وی، مکاتبه او با امام عسگری علیه‌السلام، عدم وجود لعن و نکوهش از سوی معصومین، نگاشتن کتاب توحید و سالم بودن روایات وی.

به نظر می‌رسد که در صورتی که مبانی توثیق و تضعیف به درستی تبیین شود، اثبات وثاقت وی کار دشواری نیست. بنابراین نه نظر کسانی که ادعا می‌کنند سهل بن زیاد ضعیف است قابل قبول است و نه نظر کسانی که توقف کرده‌اند، زیرا جایی برای توقف نیست. با توجه به مجموعه شواهد مطرح شده، می‌توان گفت که ادله توثیق سهل بن زیاد از ادله تضعیف او قوی‌تر است. هرچند برخی ضعف‌هایی در نقل‌های او دیده می‌شود، اما این موارد نمی‌توانند به تنهایی موجب رد کلی روایات او شوند. بنابراین، در پذیرش احادیث وی، باید به قرائن همراه آن‌ها نیز توجه داشت.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. روایات، نهج البلاغه، قصارالحکم، ص: ۱۱۲.
۳. موسوعه الامام الخوئی، مقرر: مرتضی بروجردی، قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی، چاپ سوم، ۱۴۲۱ق.
۴. مهدوی، حسن، سهل بن زیاد در آئینه رجال، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، ۱۳۹۱ش.
۵. ترابی شرضایی، اکبر، پژوهشی در علم رجال، قم: انتشارات اسوه «وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه» چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
۶. بهبهائی، وحید، مصابیح الظلام فی شرح مفاتیح الشرایع، قم: مؤسسه علامه وحید بهبهائی، ۱۴۰۲ق.
۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۹۰ق.
۸. العده، قم: چاپخانه ستاره، ۱۴۱۷ق.
۹. الفهرست، تحقیق: سید عبدالعزیز طباطبایی، قم: کتابخانه محقق طباطبایی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۱۰. کشی، ابو عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز، اختیار معرفته الرجال(رجال الکشی)، محقق و مصحح: حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۹۰ق.
۱۱. قمی، ابن قولویه، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر، کامل الزیارات، نجف: دارالمرتضویه، ۱۳۹۸ق.
۱۲. نجاشی، ابوالحسن احمد بن علی بن احمد، فهرست اسماء مصنفی الشیعه(رجال النجاشی)، محقق و مصحح: سید موسی شبیری زنجانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.
۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصار، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۴. انصاری، مرتضی، کتاب الطهاره، محقق و مصحح: گروه پژوهشی کنگره، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول، ۱۴۱۵ق. (ملاحظات: به اسم تراث الشیخ الاعظم (ره) چاپ شده است.

۱۵. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب یوسفی، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، محقق و مصحح: علی پناه اشتهاوردی، آقا حسین یزدی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
۱۶. غضائری، احمد بن حسین، رجال ابن غضائری، تحقیق: سید محمدرضا حسینی جلالی، قم: دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۷. خمینی، سید روح الله موسوی، کتاب طهاره (طبع جدید)، قم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، محقق و مصحح: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم، دارالشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۹. سبحانی، جعفر، اصول الحديث و احکامه، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ سوم، ۱۴۲۴ق.
۲۰. کلیات فی علم الرجال، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۲۱. طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۲۲. عاملی، جواد بن محمد بن حسین، مفتاح الکرامه فی شرح قواعدالعلامه، محقق و مصحح: محمد باقر خالصی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۲۳. رسائل الشهيدالثانی، محقق و مصحح: رضا مختاری و حسین شفیعی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۲۴. مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام، محقق و مصحح: گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۲۵. شیخ مفید، الرد علی الصحاب العدد، جوابات اهل الموصول، ص ۱۲.
۲۶. محدث نوری، خاتمه المستدرک، ج: ۵، ص: ۲۲۳.
۲۷. نجم الدین، جعفر بن حسن (محقق حلی)، رسائل التسع، محقق و مصحح: رضا استادی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۲۸. النهایه و نکتهها (نکت النهایه)، محقق و مصحح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۹. اراکی، محمدعلی، کتاب الصلاه، ج: ۲، ص: ۱۳۳.

